

گواهان رستاخیز از منظر آیات قرآن کریم

مائده پسرکلو

کارشناس ارشد شیعه شناسی-کلام، دانشگاه گلستان، گرگان، ایران

maedepesarakloo@yahoo.com

علی اکبر محمدی مهر

دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه گلستان، گرگان، ایران

mehr.33926@gmail.com

1

چکیده

اعتقاد به معاد و روز قیامت در ادیان الهی، از مهم ترین مؤلفه های اعتقادی است. از جایگاه های قابل توجه روز قیامت، حسابرسی اعمال بندگان است که در آن به اعمال آن ها رسیدگی می شود. در این دادگاه که به قضاوت خداوند متعال تشکیل می شود، گواهانی حضور می یابند که در دنیا، شاهد اعمال انسان بوده اند و به آنچه انجام داده گواهی می دهند. با توجه به آیات قرآن، شاهدان عبارتند از: خداوند متعال، پیامبران و بخصوص پیامبر اکرم ص و اما مانع و فرشتگان و... می باشند. در این نوشته برآنیم که با روش تحقیق توصیفی کتابخانه ای، به این مهم پردازیم که گواهانی که در آیات قرآن به صورت مستقیم و غیر مستقیم به آن ها اشاره شده و گواهان حتمی روز رستاخیز هستند کدامند؟ همچنین تمامی آیاتی که به مسئله گواهان روز رستاخیز اشاره کرده اند بررسی شده و با استفاده از تفاسیر قرآن کریم به اهمیت این مهم پی برده شود. با بررسی دقیق گواهان انسان در می یابد که با تأکید به حضور این گواهان در دنیا، و با پرداختن متعدد به بیان آن ها در قرآن کریم، نوعی اتمام حجت با انسان است که در صورت ارتکاب جرم و گناه، شاهدان بر علیه وی شهادت داده و باید مکافات اعمال خود را بپذیرد و جای عذر و بهانه ای برای وی باقی نگذارد.

کلمات کلیدی: گواهان، رستاخیز، خدای تعالی، پیامبران، قرآن کریم،



مقدمه

یکی از اصلی ترین اعتقادات در همه ی ادیان الهی و توحیدی، اعتقاد به معاد و زنده شدن انسان در عالم قیامت است. با توجه به آیات قرآن و روایات معصومین علیهم السلام، انسان پس از ارتحال از دنیا، منازل و موافقی را می گذراند که به ترتیب عبارت از منزل مرگ، قبر و برزخ، قیامت، نفع صور، حسابرسی بندگان، صراط، بهشت و جهنم و اعراف است. (خسروپناه، ۱۳۹۲، ج ۳: ۴۵۳). حسابرسی به اعمال بندگان و رسیدگی به کارهای انسان در دادگاه خداوند متعال، از جمله، مهم ترین مرحله ی قیامت است و به خاطر اهمیت فراوان این مرحله، در قرآن، "یوم الحساب" نام گرفت (همان: ۱۶ و ۲۶). هنگام حسابرسی اعمال و برپایی دادگاه عدل الهی، چهار عنصر اساسی نقش آفرینی می کنند که عبارتند از "کتاب و نامه اعمال"، "میزان"، "شاهدان" و "تجسم اعمال". (همان: ۴۶۲). رسالت رساله حاضر، بررسی آیاتی از قرآن است که در آن از حضور شاهدان و گواهانی نام برده است که در دادگاه الهی حاضر می شوند و از اعمال انسان خبر می دهند. حکمت و عدالت خدای تعالی ایجاب می کند شاهدانی بر عمل کرد آنها قرار دهد تا جزئی ترین اعمال را ثبت و ضبط نمایند و با حضور در دادگاه عدل الهی شهادت دهند. از لحاظ تربیتی وجود گواهان، بسیار سودمند است. اگر آدمی بداند گواهان بسیاری، شاهد اعمال اویند و در روز قیامت شهادت می دهند، چه بسا از زشتکاری خودداری ورزد. برای مثال، اگر کسی بداند که دوربین های فراوانی تمام اعمال او را ثبت می کنند، بیشتر مراقب خود است» (سبحانی و محمدرضایی، ۱۳۹۰، ج ۱: ۲۱۳) قرآن کریم، روز قیامت را روز دادگاه الهی معرفی می کند؛ و می فرماید: «يَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ» (غافر/۵۱) - "روزی که گواهان به پا می خیزند" و شهادت می دهند.

2

در کتاب انسان از آغاز تا انجامف نویسنده به بیان برخی از این گواهان با استناد به آیات پرداخته، اما تمامی آیات مورد بررسی قرار نگرفته است. (طباطبایی، ۱۳۸۸)

همچنین در کتاب معاد در قرآن، نیز درباره ی گواهی پیامبر (ص) و اهل بیت و گواهی اندام ها و همراه که مراد فرشتگان است، را بیان می کند و در کنار این ها به گواهی گواهان تکوینی قائل است. وی در این باره می نویسد: «در قیامت علائم و آثار تکوینی گواه بر کردار انسان است: يَعْرِفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيمَاهُمْ فَيُؤْخَذُ بِالنَّوَاصِي وَالْأَقْدَامِ (الرحمن، ۴۱) وقتی چهره ی انسان اثر جرم داشته باشد دیگر نیازی به گواه خواهی نیست و بی وقفه و بلافاصله دستور می رسد موی پیشانی و سر او با پاهایش را گرفته، در آتش بیندازد.» (جوادی آملی، ۱۹۵)

در چند مقاله نیز به مسئله ی وجود گواهان اشاره کرده و به توضیح درباره ی گواه بودن خداوند سبحان، فرشتگان ثبت اعمال، پیامبران و ائمه ی اطهار، اعضا و جوارح و زمان و مکان نیز پرداخته است اما تمامی موارد ذکر شده به ذکر مواردی چند بسنده کرده اند و به توضیح و تفسیر کامل نپرداخته اند. (الهی خواه، ۱۳۸۹)

در نوشته حاضر دغدغه اصلی این است که تمام آیات مرتبط با گواهان رستاخیز بررسی شود. با توجه به گرایش آدمی، به خصوص در عصر مدرن، به دنیا و هواهای نفسانی و غفلت بیش از پیش از قیامت و حسابرسی دقیق اعمال و نیز حضور شاهدان و گواهان در رستاخیز، اهمیت بحث و جایگاه آن معلوم و مشخص می شود؛ همچنان در مواردی که به بحث درباره گواهان پرداخته شده از منظر آیات و روایات مختلف بوده است، اما در هیچ کدام از پژوهش ها به بیان دقیق آیات و بررسی تمام آیاتی که به این مطلب اشاره دارند نپرداخته اند و مختصری به ارائه موضوع پرداخته اند. همچنین ممکن است ظن و گمانه زنی درباره روایات مطرح باشد که با بررسی دقیق آیات قرآن و فهم تاکید خداوند متعال در قرآن کریم،



به مسئله حضور گواهان، یقین نسبت به این مسئله حاصل می شود که نتیجه آن دوری از گناه در محضر این گواهان متعدد خواهد بود. این مسأله ضرورت ایجاب می کند که به بررسی تمام آیاتی که در قرآن به این مسأله اشاره دارد و تاکید به حضور و شهادت گواهان دارد، بپردازیم:

گواهان روز رستاخیز از منظر قرآن کریم

۱- گواهی خداوند متعال

اولین و بهترین شاهد و گواهی که بر اعمال انسان در روز قیامت گواهی می دهد، خداوند متعال است که بر همه چیز آگاه است و دانای آشکار و نهان است. گرچه گواهی دادن خداوند به عنوان خالق و آفریدگار تمامی موجودات و عالم پیدا و پنهان، خود به تنهایی بالاترین گواهی می باشد، «ولی هر چه تعداد گواهان بیشتر باشد مومنان سرفراز تر و متخلفان شرمند تر می شوند» (قرآنی، ۱۳۸۳، ج ۱۰: ۲۷۰). و از سوی دیگر، از آنجا که خداوند و دادگاه وی سراسر عدل و داد است، گواهان دیگری در دادگاه عدل الهی حاضر می شوند تا گناهکاران اعتراضی به عدل خداوندی نداشته باشند.

۱-۱- آیه ی «وَاللَّهُ شَهِيدٌ عَلَىٰ مَا تَعْمَلُونَ» (آل عمران/۹۸) - و خدا گواه است بر اعمالی که انجام می دهید!

واژه ی شهید در قرآن، گاهی به معنای شاهد می آید و زمانی به معنای مشهود. در این آیه با توجه به حرف "علی" که به معنای علو و برتری است، به معنای شاهد می باشد. و نیز کلمه شهید، صفت مشبیه است و صفت مشبیه که دلالت بر ثبات و استمرار دارد به این معنا که شهادت و گواهی خداوند متعال بر اعمال بندگان، موقت و مقطعی نیست بلکه استمرار دارد و برای همیشه ثابت است. همچنین "واو" قسمی که قبل از لفظ جلاله ی الله آمده است، تاکید می کند که خداوند متعال به طور قطع و یقین شاهد و ناظر اعمال بندگان است.

شهادت باری تعالی، لازمه گواهی دادن به اعمال بندگان در روز حساب رسی بندگان است. چراکه صرف شهادت بدون گواهی، امری لغو خواهد بود.

«چنانچه کسی بپندارد دیگران از اسرار و مطالب او اطلاع پیدا نمی کنند، به راحتی راه حق پوشی و انکار و کفر را در پیش می گیرد، اما اگر توجه کند که خدا از اسرار او آگاه است و چیزی از او پنهان نمی ماند، معمولاً حق را نمی پوشاند و آیات الهی را انکار نمی کند و کفر نمی ورزد» (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷، ج ۳: ۹۶).

که بدان مبادرت می ورزید و هم وزن ذره ای نه در زمین و نه در آسمان از پروردگار تو پنهان نیست و نه کوچکتر و نه بزرگتر از آن چیزی نیست مگر اینکه در کتابی روشن [درج شده] است.

۱-۲- آیه ی «إِنَّ اللَّهَ يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ» (حج/۱۷) - خداوند در میان آنان روز قیامت داور می کند؛ (و حق را از باطل جدا می سازد؛) خداوند بر هر چیز گواه (و از همه چیز آگاه) است.

آیه فوق از جمله آیاتی است که حاوی تأکیدهای متعدد است بعنوان نمونه: ۱- در هر دو جمله این دو آیه با لفظ "إِنَّ" شروع شد. "إِنَّ" از حروف مشبه بالفعل است و دلالت بر تأکید دارد.

۲- در هر دو جمله با جمله اسمیه شروع شد و عبارت "كُلُّ شَيْءٍ" تأکید دارد که باری تعالی بر هر چیز - خواه بزرگ و کوچک - آگاه و گواه است. ۳- واژه "شهید" صفت مشبیه است و بر دوام و ثبات دلالت دارد که فرد نوعی تأکید بر شاهد و گواه بودن بدون



گواهی دادن خدای تعالی است. از آنجاکه گواه بودن بدون گواهی دادن، ارزش عملی ندارد پس خدای گواه بر اعمال بندگان خود در روز قیامت گواهی می دهد.

«من عجیب الأمر أن الله سبحانه هو القاضی و الحاکم بین العباد، و هو بنفسه أيضا شاهد علی أعمالهم، یقول سبحانه - جای تعجب است که خداوند سبحان داور و حاکم بین بندگان است و خود او شاهد بر اعمال آن هاست. خداوند می فرماید «إِنَّ اللَّهَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ.» (حج/۱۷) خداوند در میان آنان روز قیامت داوری می کند؛ (و حق را از باطل جدا می سازد؛) خداوند بر هر چیز گواه (و از همه چیز آگاه) است. (سبحانی، ۱۴۱۲ ق ، ج ۴: ۲۵۵)

آنچه از مقصود این بیان به دست می آید این است که خداوند تبارک و تعالی در حالی که گواه بر اعمال بندگان است؛ قاضی و حاکم در روز رستاخیز است. معمولا در دنیا کمتر اتفاق می افتد که هم فردی هم شاهد و گواه بر کاری باشد و هم داور و حاکم آن ، اما از آنجا که خداوند سبحان منزه از هر نقص، و حکیم است ، با آن که ناظر اعمال بندگان است به عدالت و درستی در بین آنها داوری می کند و حق را از باطل جدا می سازد.

۳-۱- «وَأَمَّا نُرِيَنَّكَ بَعْضَ الَّذِي نَعِدُهُمْ أَوْ نَتَوَقَّعَنَّكَ فَإِلَيْنَا مَرْجِعُهُمْ ثُمَّ اللَّهُ شَهِيدٌ عَلَىٰ مَا يَفْعَلُونَ» (یونس/۴۶) - گر ما، پاره‌ای از مجازاتی را که به آنها وعده داده‌ایم، (در حال حیات تو (به تو نشان دهیم، و (یا) پیش از آنکه گرفتار عذاب شوند،) تو را از دنیا ببریم، در هر حال، بازگشتشان به سوی ماست؛ سپس خداوند بر آنچه آنها انجام می دادند گواه است!

4

خداوند در این آیه متذکر می شود که بر تمامی اعمال انسان شاهد است و به زودی گنهکاران را بخاطر کردارشان مجازات خواهد کرد. (طبرسی، ۱۴۱۳ ه ق، ج ۱۱: ۳۰۶ و مغنیه، ۱۳۷۸، ج ۴: ۲۶۳) آیه فوق بازگشت تمام انسان ها به سوی خداوند است به طوری که هیچ کس را توان فرار از دادگاه عدل الهی نیست، آن گاه می فرماید: «ثُمَّ اللَّهُ شَهِيدٌ عَلَىٰ مَا يَفْعَلُونَ» خداوند گواه بر اعمال آدمی است. باتوجه به ترتیب آیه که اول سخن است دادگاه عدل الهی است آنگاه خبر از شهادت باری تعالی، به نظر می رسد معنای "شاهد" در "الله شهید" به معنای گواه نیست بلکه به معنای گواهی دادن است چون سخن از روز قیامت است که در آن اعمالی از سوی بندگان صورت می گیرد تا باری تعالی گواه باشد. بلکه بر اعمال بندگان که در دنیا انجام دادند گواهی می دهد. وجود اسم ظاهر "الله" خود نشان از تاکید دارد.

۲- گواهی پیامبران علیهم السلام

از دیگر شاهدان روز رستاخیز، پیامبران علیهم السلام هستند که در آیات قرآن و روایات به آن اشاره شده است. برخی از این آیات و روایات عبارتند از:

۱-۲- آیه ی «فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَ جِئْنَا بِكَ عَلَىٰ هَؤُلَاءِ شَهِيدًا.» (نساء/۴۱) - حال آنها چگونه است آن روزی که از هر امتی، شاهد و گواهی (بر اعمالشان) می آوریم، و تو را نیز بر آنان گواه خواهیم آورد؟

در این آیه اشاره شده که در روز قیامت از هر امتی فردی به عنوان گواه، بر اعمال افراد امت، گواهی خواهد داد. از آن جا که گواهی دادن باید دارای شرایطی مانند حاضر و ناظر بودن فرد و علم داشتن به اعمال افراد، حتی در زمانی که در حضور وی نیستند، دارد؛ پس این فرد باید از صالحان و شایستگان امت باشد و چه کسی از پیامبر هر امتی شایسته تر؟! بنابراین گواه هر امتی پیامبری است که برای هدایت مردم آمده است. بعنوان مثال ، در قرآن به شاهد بودن حضرت عیسی علیه السلام اشاره شده است؛ اما تا زمانی که آن حضرت در میان امت خود حاضر بوده ، و ناظر اعمال آن هاست



۲-۲-آیه ی « وَیَوْمَ نَبْعَثُ فِی كُلِّ أُمَّةٍ شَهِیداً عَلَیْهِمْ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَجِئْنَا بِكَ شَهِیداً عَلَی هَؤُلَاءِ وَنَزَّلْنَا عَلَیْكَ الْكِتَابَ تِبْیَانًا لِكُلِّ شَیْءٍ وَهَدًی وَرَحْمَةً وَبُشْرَى لِلْمُسْلِمِینَ » (نحل/۸۹) - بیاد آورید روزی را که از هر امتی گواهی از خودشان بر آنها مبعوث می کنیم، و تو را گواه آنها قرار می دهیم، و ما این کتاب (آسمانی) را بر تو نازل کردیم که بیانگر همه چیز است، و مایه هدایت و رحمت و بشارت برای مسلمانان است.

«در جمله " وَ یَوْمَ نَبْعَثُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ شَهِیداً عَلَیْهِمْ مِنْ أَنْفُسِهِمْ " مورد شهادت پیامبران علیهم السلام است. از سیاق به دست می آید که مراد از این "یوم" روز قیامت و منظور از "شهداء" که خدای تعالی برای هر امتی مبعوث کرد، گواهان اعمال است که حقایق اعمال امت خود را ضبط کرده اند، و در آن روز از ایشان استشهاد می شود، و ایشان شهادت می دهند» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۲: ۴۵۹)

هرگاه پیامبر بر علیه امت خویش شهادت دهد، خداوند بر طبق گواهی و سخن او عمل می کند و به امتش اجازه ی عذر و بهانه نمی دهد. (مغنیه، ۱۳۷۸، ج ۴: ۸۴۱)

شهادت پیامبر چنان اعتباری در پیشگاه باری تعالی دارد که بعضی از مفسرین گواه را پیامبر امت یا مومن عارف می دانند که به کردار زشت امت گواهی خواهد داد. (طبرسی، ۱۴۱۳ ه ق، ج ۱۴: ۳۴)

«با اینکه علم خدا به همه چیز احاطه دارد، اما وجود این گواهان مخصوصاً از کسائی که از میان خود امتها برخاسته اند تا که دید بیشتری بر نظارت دائمی بر اعمال انسانها است، و هشدار است بر این مراقبت قطعی و همیشگی.

ناگفته پیداست کسی از میان هر امت شهادت خواهد داد که معصوم و از خطا و گناه مبرا باشد تا گواهی او مورد قبول خداوند منان باشد. و این شخص کسی جز امام یا پیامبر که معصوم از خطا و گناه هستند، نخواهد بود. از طرفی پیامبر اکرم (ص) گواه همه ی پیامبران است و کتاب او نیز کتابی جامع برای همه ی عصرها و نیازهای بشر می باشد.

۳- گواهی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم

۱-۳-آیه ی « وَیَوْمَ نَبْعَثُ فِی كُلِّ أُمَّةٍ شَهِیداً عَلَیْهِمْ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَجِئْنَا بِكَ شَهِیداً عَلَی هَؤُلَاءِ وَنَزَّلْنَا عَلَیْكَ الْكِتَابَ تِبْیَانًا لِكُلِّ شَیْءٍ وَهَدًی وَرَحْمَةً وَبُشْرَى لِلْمُسْلِمِینَ » (نحل/۸۹) - بیاد آورید روزی را که از هر امتی گواهی از خودشان بر آنها مبعوث می کنیم، و تو را گواه آنها قرار می دهیم، و ما این کتاب (آسمانی) را بر تو نازل کردیم که بیانگر همه چیز است، و مایه هدایت و رحمت و بشارت برای مسلمانان است.

چنانکه اشاره شده عبارت " وَجِئْنَا بِكَ شَهِیداً عَلَی هَؤُلَاءِ " درباره شهادت و گواهی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نسبت به پیامبران الهی است. از آنجا که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم خاتم و اشرف و اعظم پیامبران است، نسبت به تمام آنها از شرافت خاصی برخوردار است. تا جایی که گواه بر اعمال آن هاست.

۲-۳-آیه ی « وَقُلْ اَعْمَلُوا فِی سَبِیْلِ اللّٰهِ عَمَلِكُمْ وَرِسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ ۚ وَاسْتَرِدُّونَ اِلَیَّ عَالِمِ الْغَیْبِ وَالشَّهَادَةِ فِیْنِیْكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ » (توبه/۱۰۵) - بگو: «عمل کنید! خداوند و فرستاده او و مؤمنان، اعمال شما را می بینند! و بزودی، بسوی داناى جهان و آشكار، بازگردانده می شوید؛ و شما را به آنچه عمل می کردید، خبر می دهد!»

در آیه فوق به صراحت بیان شد خداوند متعال، رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و مومنین (معصومین علیهم السلام) اعمال انسان رامی بینند چه اعمال ظاهری و چه اعمال باطنی که در نیت ها و خاطره های انسان عبور می کند واژه ی " فِی سَبِیْلِ " تعبیر بسیار دقیق و ظریف است مراد مشاهده تام و تمام است در هر شرایطی که انسان در آن قرار گیرد. هدف نهایی از مشاهده و رؤیت، گواهی دادن بر اعمال بندگان در روز رستاخیز است.



رسول خدا و مومنان به عنوان شاهد بر مردم هستند، سپس، نزد خداوند شهادت می دهند، خداوند مردم را به و سیله شهادت این گواهان، نسبت به اعمالشان آگاه می کند. این آگاه کردن عین آگاه کردن خود خداوند است و اداء شهادت رسول خدا و مومنین عین شهادت خود خداوند است. (حسینی طهرانی، ۱۴۲۳ ق: ۱۱۴)

۳-۳-آیه ی «فَكَفَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَ جِئْنَا بِكَ عَلَى هَؤُلَاءِ شَهِيدًا.» (نساء/۴۱) - حال آنها چگونه است آن روزی که از هر امتی، شاهد و گواهی (بر اعمالشان) می آوریم، و تو را نیز بر آنان گواه خواهیم آورد؟

مفسران قرآن آیه ی فوق را چند گونه تفسیر کرده اند:

الف) واژه ی «شهادت» در آیه ی فوق به معنای شهادت عملی است؛ یعنی هر پیامبری با صفات ممتاز خود، الگو، نمونه و معیار سنجش اعمال امت خویش است.

و از آن جا که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله بزرگ ترین پیامبر الاهی است صفات و اعمال او مقیاس سنجش شخصیت تمام پیامبران است.

ب) واژه ی «شهادت» در آیه ی فوق به معنای گواهی دادن است. مقصود آن است که هر پیامبر و شاهدی، زمانی که در میان مردم است، شاهد و ناظر اعمال آنان است و پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نیز شاهد اعمال امت خویش و یا شاهد بر پیامبران و گواهان گذشته است.

ظاهر آیه در مورد قیامت است تفسیر اول قابل قبول نمی نماید و جمع بین تفسیر دوم و سوم هم مانعی ندارد؛ یعنی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله هم شاهد امت خویش و هم شاهد روحانی پیامبران پیشین باشد. (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷، ج ۴: ۱۳۵)

از آن جا که ظاهر آیه فوق در مورد قیامت است باری وجود گواهانی علاوه بر باری تعالی دارای علت هایی است.

«عرب، هنگامی که حادثه ای ناگوار در پیش است می گوید:

«کیف یک اذا کان کذا؟» چه خواهی کرد هنگامی که چنین خواهد شد؟! بدین ترتیب. بزرگی حادثه را نشان می دهد و شخص را از آن می ترساند و او را وادار می کند که خود را برای آن آماده سازد. روی هم رفته معنای آیه این است که: در روز قیامت خداوند هر پیغمبری را بر امت خود گواه می گیرد و آن پیامبر بنفع و به ضرر امت خویش گواهی می دهد. پیامبر ما نیز بعنوان گواه امت خویش فرا خوانده می شود. این آیه دلالت می کند بر اینکه: باید از هر کار زشتی که از سان از انجام آن در ملاء عام: خجالت می کشد، خودداری کند زیرا روز قیامت، گواهانی عادل، شاهد اعمال انسان هستند که نمی توان در شهادت آنها خدشه کرد و شهادت آنها را از تاثیر، انداخت. این گواهان، پیامبران و معصومان و نویسندگان اعمال و اعضای بدن و مکان و زمان می باشند.» (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵: ۱۵۳)

۴- گواهی ائمه علیهم السلام

امامان معصوم علیهم السلام نیز از دیگر گواهی دهندگان روز رستاخیز بوده که در دنیا ناظر اعمال انسان هستند و در قیامت به اقامه ی شهادت بر علیه گناهکاران می پردازند. آیات و روایات بسیاری صدق این گفتار را تایید می کنند که در ادامه چند مورد بیان می شود:

۱-۴-آیه ی «وَقُلْ أَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ ۖ وَسَتُرَدُّونَ إِلَىٰ ۖ عَالِمِ الْغَيْبِ ۖ وَالشَّهَادَةُ قَبِيضَتُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» (توبه/۱۰۵) - بگو: عمل کنید! خداوند و فرستاده او و مؤمنان، اعمال شما را می بینند! و بزودی، بسوی دانای نهان و آشکار، بازگردانده می شوید؛ و شما را به آنچه عمل می کردید، خبر می دهد!



نویسنده ی کتاب منهج الصادقین، مراد از کلمه ی مومنون را ائمه ی معصوم (ع) دانسته است که بر اعمال افراد آگاه هستند. مفسران معنای کلمه ی مومنون را امامان معصوم علیهم السلام می دانند. (کاشانی، ۱۳۶۳، ج ۲: ۲۵۹)

در این آیه اشاره می شود که هم خدای متعال و هم پیامبرش و هم مومنان اعمال را می بینند و مراد از اعمال، هم اعمال آشکار و هم اعمال پنهانی است، از آنجا که اعمال پنهان بندگان را افراد خاص می بینند و اعمال افراد از سایر مومنان پنهان است، روشن می شود که لفظ مومنان در این آیه به افرادی همچون علی بن ابی طالب که جانشین به حق رسول اکرم هستند، اشاره دارد. پس مراقب اعمال خود باشید که رسول خدا و ائمه (ع) را نرنجانید. (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷، ج ۸: ۳۰۳)

۵- گواهی فرشتگان

از شاهدان دیگری که در روز قیامت، نسبت به اعمال انسان گواهی می دهند، فرشتگان هستند. در آیات قرآن به این مسئله که فرشتگانی در دنیا در مرتبه های گوناگون، مراقب اعمال انسان هستند اشاره شده و آنها را ناظر اعمال بندگان معرفی کرده است. از جمله آیات ذیل:

۵-۱- «وَإِنَّ عَلَيْكُمْ لَحَافِظِينَ كِرَامًا كَاتِبِينَ يَعْلَمُونَ مَا تَفْعَلُونَ» (انفطار ۱۰/۱۲) - و بی شک نگاهبانانی بر شما گمارده شده ... و الا مقام و نویسنده (اعمال نیک و بد شما)، که می دانند شما چه می کنید.

7

از آیه ی فوق استفاده می شود که فرشتگان از اعمال انسان آگاه و باخبرند. حال سوالی مطرح می شود که این آگاهی فرشتگان در کجا استفاده می شود؟ پاسخ آن است که از آن برای گواهی در روز قیامت استفاده می کنند. اگر کسی گناهی از جرم داد که مرضی رضای خدای تعالی نباشد، بر آن گواهی می دهند.

واژه «کرام» بدین معناست که آنان نیرومند و امین هستند و وظیفه خود را به بهترین نحو، انجام می دهند. این فرشتگان که نگهبان اعمال انسان هستند هم اعمال نیک و هم اعمال بد بندگان را می دانند و نمی توان از آنها پنهان نمود. (مغنیه، ۱۳۷۸، ج ۸، ۶۰)

«وَإِنَّ عَلَيْكُمْ لَحَافِظِينَ» و البته نگهبانانی هستند از فرشتگان که آنچه شما عمل کنید از طاعات و معصیتها حفظ میکنند برای شما. آن گاه خداوند فرشتگان حافظ را توصیف نموده و فرمود:

(کراماً) فرشتگانی که بر پروردگارشان بزرگوارانند (کاتبین) نویسندگانی که اعمال فرزندان آدم را می نویسند.

(يَعْلَمُونَ مَا تَفْعَلُونَ) میدانند آنچه میکنید از خوبیها و بدیها. پس برای شما آن را مینویسند که چیزی از آنها بر شما مخفی نماند. (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲۶، ۳۵۴)

«مراد از کتابت در کلمه "کاتبین" نوشتن اعمال است، به شهادت اینکه می فرماید: "يَعْلَمُونَ مَا تَفْعَلُونَ"» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲۰: ۳۷۱)

۵-۲- «إِذْ يَتَلَفَّى الْمُتَلَفِّيَانِ عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشَّمَالِ قَعِيدًا مَا يُلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ» (ق/۱۷-۱۸) - (به خاطر بیاورید) هنگامی را که دو فرشته راست و چپ که ملازم انسانند اعمال او را دریافت می دارند؛ انسان هیچ سخنی را بر زبان نمی آورد مگر اینکه همان دم، فرشته ای مراقب و آماده برای انجام مأموریت (و ضبط آن) است!

از آنجا که معنای کلمه ی تلقی به معنای گرفتن است، از سیاق آیه استفاده می شود که "یتلقیان" دو فرشته ای هستند که اعمال انسان را تحویل گرفته و با نوشتن ثبت و مواظبت می کنند. و در جمله "عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشَّمَالِ قَعِيدًا" این مقصود به دست می آید که منظور سمت راست و چپ انسان باشد و از آن جا که کلمه ی قعید به معنای نشسته است می توان گفت که این دو فرشته که مراقب اعمال انسان هستند و اعمال انسان را ضبط می کنند در سمت چپ و راست او نشسته اند. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۸: ۵۲۰)

ثبت و ضبط دقیق فرشتگان برای آن است که در روز قیامت حجت بر علیه افرادی که کار ناشایست از جمام می دهند تمام باشد. همچنین به سود کسانی است که با انجام کاری خوب، رضایت باری تعالی را فراهم می کنند.

در تفسیر اثنی عشری آمده است که: گر چه خداوند متعال بی نیاز این است که ملائکه ای را برای استحفاظ اعمال بندگان قرار دهد، زیرا خود، هر آنچه را که برای ملائک پوشیده و مخفی باشد می داند، قرار دادن این ملائک برای ثبت و ضبط اعمال بندگان، حکمت او را مقتضی است و لطف خداوند متعال است نسبت به بندگان که در روز رستاخیز حجت او بر بندگان باشد. (شاه عبدعظیمی، ۱۳۶۳، ج ۱۲: ۲۲۴)

«عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشَّمَالِ: آن دو ملک از طرف راست انسان نشسته و از طرف چپ، قَعِيدٌ: نشسته، یعنی ایشان ملازم و اصلا جدا نمی شوند از انسان.» (همان: ۲۲۵)

۳-۵-آیه « وَجَاءَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَعَهَا سَائِقٌ وَشَهِيدٌ » (ق/۲۱) - هر انسانی وارد محشر می گردد در حالی که همراه او حرکت دهنده و گواهی است!

سائق به معنای حرکت دهنده و شهید به معنای گواه و کسی که از روی آگاهی سخن می گوید است. این آیه به روشنی بیان می کند که شاهد اعمال انسان، هیچ گاه از انسان جدا نیست و در روز رستاخیز به عنوان گواه حاضر می شود و بر اعمال بندگان خدای تعالی شهادت می دهد.

8

از معنای این کلمه می توان استنباط کرد که فرشته ای که سائق خوانده می شود انسان را به حرکت وادار می سازد و فرشته ای دیگر نیز که شاهد اعمال انسان بوده است حاضر می شود که هم شاهد اعمال انسان بوده و هم آن ها را ثبت و ضبط کرده است.

صاحب تفسیر مجمع البیان سائق و سوق را به معنی وادار ساختن به حرکت می داند. «در روز موعود هر فرد مکلفی خواهد آمد در حالی که فرشته ای همراه او است که او را به سوی حساب سوق می دهد، و فرشته دیگری که شاهد اعمال او است و تمام اعمال او را یادداشت نموده است، که دیگر راهی برای فرار و انکار نخواهد داشت.» (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲۳: ۲۶۵-۲۶۱).

با توجه به اینکه سائق انسان را به سمت حساب سوق می دهد، راه فراری برای آدمی باقی نمی ماند. همچنان که با حضور فرشته ی ناظر و گواه اعمال، انکار نیز غیرممکن خواهد بود. (کاشفی، بی تا: ۱۱۶۹)

در این که مصداق و یا مصادیق از کلمه ی "شهید" در آیه ی فوق کدام است، برخی آن را بر حضرت امام علی (ع) تطبیق داده اند و برخی اعضاء و جوارح انسان بیان کرده اند. البته منافاتی ندارد که هر دو را شامل شود و یا اگر مراد از "شهید" ملائکه باشند، هر سه را شامل شود.

در اینکه مقصود از "سائق" و "شهید" در آیه ی بالا چه کسانی هستند اختلاف نظر وجود دارد. اما مناسب ترین معنا آن است که هنگام حضور هر انسانی در محشر دو فرشته او را همراهی خواهند کرد که یکی او را به سوی محشر می برد و دیگری گواه اعمال اوست.

۶- گواهی زمین

از دیگر شاهدانی که بر علیه گناهکاران شهادت می دهند، زمین است. زمینی که فرد انجام دهنده ی اعمال به روی آن راه می رود و تمام دوران زندگی را روی آن گام بر می دارد، در روز قیامت به خواست و اراده ی خداوند، آنچه که روی آن اتفاق افتاده را بازگو می کند و به آنچه که افراد انجام داده اند شهادت و گواهی می دهند.



۱-۶-آیه ی «يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا بِأَنَّ رَبَّكَ أَوْحَىٰ لَهَا» (زلزله / ۴ و ۵) - در آن روز زمین تمام خبرهایش را بازگو می کند. چرا که پروردگارت به او وحی کرده است.

زمین به اراده ی خداوند مانند فردی که در دادگاه به عنوان شاهد حضور پیدا می کند و آنچه را که دیده بازگو می کند ، هر اتفاقی که روی آن رخ داده را بازگو می کند.مانند فردی که تمامی ماجرای را به چشم خود دیده ، زمین هم درباره ی تمامی اتفاقاتی که روی زمین رخ داده و انسان ها انجام داده اند، تحمل شهادت کرده و به هنگام حساب رسی اعمال بندگان گواهی می دهند.

"حدث" به معنای ظاهر کردن و بیرون انداختن است. کره ی زمین هم در روز قیامت اخباری را که در خود پنهان کرده است بیرون می اندازد.(بهبودی، ۱۳۷۸، ج ۲: ۶۴۹)

از زمانی که زمین آفریده شده، تا زمانی که انتقال خود را خارج کند، و زمین دیگری شود، زمینی نورانی و پاک؛ آنچه را که در این مدت بر آن گذشته و حوادث و اتفاقاتی را که در خود جای داده، همه را بیان می کند. "بِأَنَّ رَبَّكَ أَوْحَىٰ لَهَا" برای این است که خداوند بر زمین وحی کرده است و از علم خود به زمین فهمانده است. پس از این که زمین به امرالهی دانا شد می تواند حوادث و وقایعی را که در گذشته اتفاق افتاده بیان کند و اسرار درون خود را آشکار کند.(حسینی طهرانی، ۱۴۲۳ق، ج ۷: ۲۶۴)

حدیث کردن زمین به معنای تکلم کردن انسان نخواهد بود، زیرا موجودات عالم هر کدام به نحوی دارای شعور و فهم هستند. به عنوان مثال زمانی که حیوانی با صدایش به ما می فهماند که غذا می خواهد مانند ما تکلم نکرده، اما ما مقصود او را دریافته ایم؛ یا صدای شخص ترسیده و سخن گفتن او با شخصی که عصبانی است یکسان نیست. سخن گفتن و حدیث کردن زمین نیز مانند سخن گفتن انسان نیست و با زبانی گوشتی سخن نمی گوید. حدیث کردن زمین به معنای نشان دادن است. نشان دادن آنچه که در آن اتفاق افتاده و اعمالی که از انسان ها سر زده است. حکایت می کند از آنچه را خداوند به او وحی کرده را ارائه می دهد؛ به طوری که صاحبان آن، آن را مشاهده کنند.

زمین به انسان می گوید بیا اعمالت را بنگر! مردم اگر عمل خوب به جای آورده باشند آن را می بینند و اگر عمل بد انجام داده باشند آن را می بینند.(همان: ۲۶۶)

۷- گواهی زمان

زمان نیز مانند زمین از دیگر شاهدان دادگاه الهی است. همانطور که هر کاری که از انسان سر می زند در محلی است ، دارای یک بُعد دیگر نیز می باشد و آن هم زمان است. و به اذن خداوند زمان هم گواهی دیگر بر اعمالی است که از انسان سر می زند. شهادتی بر این مطلب آیه ی ذیل می باشد:

۱-۷-آیه ی «وَالْيَوْمِ الْمَوْعُودِ وَشَهِدٍ وَمَشْهُودٍ» (بروج / ۲ و ۳) و سوگند به آن روز موعود، و سوگند به گواه و گواهی.

در تفاسیر مصادیق فروانی درباره شاهد و شهود بیان کردند که بالغ بر سی تفسیر می شود.(مکارم شیرازی، ۱۳۷۶، ج ۲۶: ۱۳۷) که بعضی از آنها زمان خاصی تفسیر شده است.

۸- گواهی اعضا و جوارح

از دیگر شاهدان دادگاه الهی ، اعضای بدن انسان هستند که آدمی به وسیله ی آنها اعمالش را انجام می دهد. شهادت دادن اعضا و جوارح انسان می تواند از مهمترین شهادت ها باشد؛ چرا که انسان با عضوی که مرتکب عملی شده است به عنوان شاهد روبرو می شود و دیگر جای سخنی گزاف یا انکار برای وی باقی نمی ماند. در آیاتی از قرآن مجید و روایات به این مطلب اشاره شده که در ذیل به بیان آن ها می پردازیم.



۱-۸-آیه ی «لَيَوْمٍ نَخْتِمُ عَلَىٰ أَفْوَاهِهِمْ وَتُكَلِّمُنَا أَعْيُنَهُمْ وَتَشْهَدُ أَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» (یس/۶۵)-امروز بر دهانشان مهر می‌نهم، و دستهایشان با ما سخن می‌گویند و پاهایشان کارهایی را که انجام می‌دادند شهادت می‌دهند!

در این آیه تصریح می‌کند که دهان‌ها را با مهر وادار به سکوت می‌کنند تا از کتمان واقعیت جلوگیری شود و در عوض دست‌هایشان سخن می‌گویند و پاهای آن‌ها به آنچه انجام داده‌اند شهادت خواهد داد.

۲-۸-آیه ی «حَتَّىٰ إِذَا مَا جَاءُوهَا شَهِدَ عَلَيْهِمْ سَمْعُهُمْ وَأَبْصَارُهُمْ وَجُلُودُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (فصلت/۲۰) وَقَالُوا لَجُلُودِهِمْ لِمَ شَهِدْتُمْ عَلَيْنَا قَالُوا أَنْطَقْنَا اللَّهُ الَّذِي أَنْطَقَ كُلَّ شَيْءٍ وَهُوَ خَلَقَكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ (فصلت/۲۱) وَمَا كُنْتُمْ تَسْتَتِرُونَ أَنْ يَشْهَدَ عَلَيْكُمْ سَمْعُكُمْ وَلَا أَبْصَارُكُمْ وَلَا جُلُودُكُمْ وَلَكِنْ ظَنَنْتُمْ أَنَّ اللَّهَ لَا يَعْلَمُ كَثِيرًا مِمَّا تَعْمَلُونَ» (فصلت/۲۲)-"وقتی به آن می‌رسند، گوش‌ها و چشم‌ها و پوستهای تنشان به آنچه می‌کردند گواهی می‌دهند. آنها به پوستهای تنشان می‌گویند: «چرا بر ضد ما گواهی دادید؟!» از آنها جواب می‌دهند: «همان خدایی که هر موجودی را به نطق درآورده ما را گویا ساخته؛ و او شما را نخستین بار آفرید، و بازگشتتان بسوی اوست. شما اگر گناهانتان را مخفی می‌کردید نه بخاطر این بود که از شهادت گوش و چشم‌ها و پوستهای تنتان بیم داشتید، بلکه شما گمان می‌کردید که خداوند بسیاری از اعمالی را که انجام می‌دهید نمی‌داند.

درباره کیفیت سخن گفتن اعضای بدن انسان می‌توان گفت:

۱-اینکه در روز رستاخیز خداوند شعور و قدرت تکلم را در اعضای بدن آدمی پدید آورد و این امر به خداوند غایب نیست. چرا که او قادر مطلق است و همانگونه که تکه گوشتی به نام زبان را قدرت سخن گفتن داده بود، این قدرت را به سایر اعضا نیز می‌دهد.

۲-اینکه بدن آثار اعمالی را که یک عمر انجام داده را با خود داشته باشد. زیرا هیچ عملی در جهان نابود نخواهد شد. و این آثار در آن روز بر بدن آشکار شوند و این آشکار شدن، شهادت دادن باشد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۸: ۴۳۱)

صاحب تفسیر نمونه، ضمن قبول نظراتی از قبیل اینکه اعضای بدن ممکن است به اذن خداوند دارای درک و شعور شوند، بابه اذن خداوند متعال از روی آثاری که از پیدا و نهان در آن روز آشکار میشود به سخن در آیند؛ به گواهی تکوینی اشاره دارد و آن را دور از واقعیت نمی‌داند. همانطور که در مثالهای روزانه اگر کسی چهره اش مضطرب و رنگ پریده باشد از این جمله استفاده میشود که "رنگ رخساره خبر میدهد از سر درون"، این گواهی تکوینی نیز غیر قابل انکار است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲۰: ۲۴۹)

از قوی ترین گواهی‌ها، گواهی عامل جرم است که در این آیه به این مطلب اشاره می‌کند که خود اعضا به آنچه که در دنیا انجام داده و کسب کرده‌اند، به فرمان خداوند اقرا کرده و گواهی می‌دهند.

از این آیه روشن می‌گردد که بردن نام دست و پا برای نمونه است و تک تک اعضا به کارهایی که با آن‌ها انجام شده گواهی میدهند. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۷: ۱۵۴)

در آیه ی ۲۰ سوره فصلت آمده که در روز قیامت، گوش‌ها و چشم‌ها و پوست‌های تن به آنچه که بندگان انجام داده‌اند شهادت می‌دهند و هر آنچه که فرد انجام داده، اظهار می‌کنند.

در آیه ی ۲۱ سوره فوق می‌خوانیم که افراد به پوست‌هایشان به نشانه‌ی اعتراض می‌گویند که چرا بر علیه ما شهادت دادید؟ در جواب آن‌ها پوست آنها به سخن آمده و می‌گویند که نطق و شهادت دادن آن‌ها خواست خداوند است و خداوند به آن‌ها این قدرت را داده است. با سخن آن‌ها یکبار دیگر قدرت لامتناهی خداوند متعال به انسان‌ها یادآوری می‌شود و همچنین تاکید می‌کنند که بازگشت همه‌ی موجودات به سوی خداوند است.



« جالب اینکه آنها تنها از پوست نشان این سؤال را می‌کنند نه از سایر گواهان، مانند چشم و گوش. ممکن است به خاطر این با شد که گواهی پوست از همه عجیبتر و شگفت‌انگیزتر، و از همه گسترده‌تر و وسیع‌تر است، همان پوستی که خود باید قبل از همه اعضاء طعم عذاب الهی را بچشد به چنین گواهی برمی‌خیزد، و این راستی حیرت‌آور است.» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲۰: ۲۵۱)

مولانا درباره ی شهادت اعضای بدن در روز قیامت می‌گوید:

روز محشر هر نهان پیدا شود هم ز خود هر مجرمی رسوا شود

دست و پا بدهد گواهی با بیان بر فساد او به پیش مستعان

دست گوید من چنین دزیده‌ام لب بگوید من چنین پرسیده‌ام. (مولانا، ۱۳۹۳)

از جمله آموزه های این آیات این است که شاید گناهایی که با پوست انجام می‌شود بیشتر است. و نکته ی دیگر اینست که گواهی اعضای بدن در روز رستاخیز به ضرر انسان و علیه اوست. (قرآنی، ۱۳۸۸، ج ۸: ۳۲۹)

از پیام هایی که از آیه ی ۲۲ سوره فصلت می‌توان دریافت این است که انسان ها بخاطر اینکه گمان نمی‌کنند که اعضاء بدنشان بر علیه آن ها شهادت بدهند، در انجام گناه جسور تر می‌شوند. در حالی که نه تنها اعضاء بدن اعتراف می‌کنند، بلکه خود خداوند متعال ناظر و گواه است.

11

«انسان یک دفعه گناه می‌کند به گمان اینکه دست و پایش از آن خبر ندارند و یک دفعه گناه می‌کند به گمان آنکه خدا از آن خبر ندارد، آیه در صدد بیان آنست که: شما به وقت گناه کردن، شهادت اعضاء را سبک نمی‌شمردید و نمی‌گفتید: اینها خبر ندارند بلکه خدا را سبک می‌شمردید و می‌گفتید: او خبر ندارد اما دیدید که خدا خبر داشت، اعضاء را به تکلم در آورد و از آنها بر علم خود و بر عمل شما گواهی گرفت.» (قرشی بنابی، ۱۳۷۵، ج ۹: ۴۲۴)

همچنین از آنجا که خداوند خالق تمام موجودات هستی است، و از آنجا که انسان هم جزء مخلوقات خداوند حکیم است، پس به تمامی اعمال و حرکات و نیات وی اشراف و آگاهی دارد. پس انسان همواره تحت مراقبت و نظارت خداوند است. آن گاه که سرگرم کار زشت و گناه خود است و از خداوند و ناظر بودن وی غافل است و نسبت به مقام ربوبیت معبود بی‌اعتناست، در همان حال تحت نظارت خداوند است. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۷: ۵۸۲)

۳-۸-آیه ی «يَوْمَ تَشْهَدُ عَلَيْهِمْ أَلْسِنَتُهُمْ وَأَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (نور/۲۴) - در آن روز زبانها و دستها و پاهایشان بر ضد آنها به اعمالی که مرتکب می‌شدند گواهی می‌دهد!

در روز رستاخیز و در حضور خداوند متعال و سایر شاهدان، زبان و دست ها و پاهای انسان ها شروع به اعتراف بر علیه صاحب خود می‌کنند، بعد از اینکه گناه کاران اقرار اعضاء بدن خود را می‌بینند، ناچار به اعتراف می‌شوند.

۱-۳-۸-تجسم اعمال

در تجسم اعمال به این معنا می‌توان گفت ما هر عملی انجام می‌دهیم، در قیامت ظهور آن را خواهیم دید. (مظاهری، ۱۳۹۲: ۱۲۱)

۲-۳-۸-معانی تجسم اعمال

تجسم اعمال در قرآن کریم به سه شکل بیان شده است: ۱- تجسم عمل در دنیا. ۲- تجسم عمل در آخرت. ۳- تجسم عمل در دنیا و آخرت.



معنای اول که همان تجسم اعمال در دنیا است؛ این است که ما هر عملی در دنیا انجام می دهیم، چه خوب و چه بد، در همین دنیا مجسم خواهد شد و در اصطلاح عامیانه به آن "مکافات عمل" گویند.

معنای دوم تجسم اعمال به این معناست که ما هر کاری انجام می دهیم از بین نمی رود و در قیامت ظهور آن را خواهیم دید. «يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُحْضَرًا وَمَا عَمِلَتْ مِنْ سُوءٍ تَوَدُّ لَوْ أَنَّ بَيْنَهَا وَبَيْنَهُ أَمَدًا بَعِيدًا» (آل عمران/۳۰) - روزی که هر کس، آنچه را از کار نیک انجام داده، حاضر میبیند، و آرزو می کند میان او، و آنچه از اعمال بد انجام داده، فاصله زمانی زیادی باشد.

مصدق آیه ی شریفه این است که کوچک ترین اعمال انسان، به عنوان مونس وی در روز رستاخیز خواهد بود. خداوند متعال، قبل از رسیدن روز موعود، به انسان متذکر می شود که مراقب اعمال خود باشد تا در روز قیامت که اعمال انسان اطراف او را فرا می گیرند، شرمنده و خجل نشود.

معنای سوم تجسم اعمال به این معناست که اعمال انسان تاثیر بسزایی در تکوین هويت او دارد. هر عمل زمينه ساز ایجاد ملک که در آن شخص می شود و این ملکات، در هويت و شخصیت او نهادینه شده و در دنیا و آخرت همراه او خواهد بود. از طرفداران سر سخت معنای سوم مرحوم صدرالمتالهین است که با پذیرفتن دو معنای اول و دوم، معنای سوم را اصل می داند. (مظاهری، ۱۳۹۲: ۱۲۱)

«همین الفاظ و سخنان و اعمال نیک و بدی که در این زندگی انجام داده ایم و ظاهراً نابود و فراموش شده است و حتی در آن چندان لحظه وجود، نیز به ما وابسته بود و بدون ما وجودی نداشت، در رستاخیز به صورت موجودات مستقلی در می آیند که احتیاجاً هم نشین های اصلی ما را تشکیل می دهند و از ما دوری نخواهند کرد.» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۶: ۲۶۹)

در این پژوهش با پذیرفتن دو معنای اول و سوم، نظر بر این است که معنای دوم به تجسم اعمال نزدیک تر باشد. زیرا بر طبق معنای دوم، نه نتیجه ی اعمال و تاثیر آن ها بر هويت و حیاط انسان، بلکه خود اعمال ظاهر می شوند و بر انسان عرضه خواهند شد. حضور خود این اعمال به صورت حقیقی می تواند بر علیه انسان و یا به نفع انسان باشد.

با توجه به نکاتی که بیان شد، آیاتی که بر تجسم اعمال با تکیه بر معنای دوم اشاره می کند عبارتند از:

۴-۸-آیه ی «يَوْمَئِذٍ يَصْدُرُ النَّاسُ أَشْتَاتًا لِيُرَوْا أَعْمَالَهُمْ» (زلزال/۶) - در آن روز مردم به صورت گروه های مختلف از قبر ها خارج می شوند تا اعمالشان به آنها نشان داده شود.

خداوند متعال در آیه -در این آیه خداوند متعال بیان نکرده که نتیجه ی اعمالشان را می بینند. بلکه می فرماید خود اعمالشان بر آن ها عرضه می شود.

و مراد از " صادر شدن مردم در قیامت با حالت تفرقه "، برگشتن آنان از موقف حساب به سوی منزلتشان که یا بهشت است و یا آتش می باشد، در آن روز اهل سعادت و رستگاری از اهل شقاوت و هلاکت متمایز می شوند، تا اعمال خود را ببینند، جزای اعمالشان را نشان دهند، آن هم نه از دور، بلکه خود اعمالشان را بنا بر تجسم اعمال به ایشان نشان دهند. و بعضی از مفسرین گفته اند: مراد از صدور مردم، بیرون شدنشان از قبور به سوی موقف حساب است، و منظور از متفرق بودنشان، متمایز بودن آنان از نظر سیما است، بعضی با روی سفید، و برخی با روی سیاه بیرون می آیند، بعضی با حالت امنیت، برخی با حالت فزع، و همچنین تمایزهای دیگر که از جزای اعمالشان و نتیجه حسابشان خبر می دهد؛ اما صاحب تفسیر المیزان وجه اول یعنی خارج شدن آن ها از قبر - را به ذهن نزدیک تر و روشن تر می داند. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲۰: ۵۸۳)

صاحب تفسیر کاشف در تفسیر این آیه می نویسد: در روز قیامت، خداوند این جهان را به جهانی دیگر تبدیل می کند و آخرین مردم را به اولین آنان ملحق می کند، سپس آن ها با هر چه که دارند به جایی می روند که کیفر کردارشان را ببینند. (مغنیه، ۱۳۷۸، ج ۸: ۱۵۷)



همچنین «لَفْظٌ لِّرَوْأَ أَعْمَالِهِمْ» و لفظ «بره» در دو محل صریح است در اینکه انسان روز قیامت، اعمال خود را مشاهده خواهد کرد، نه جزای اعمال خود را این سخن حاکی از تجسم عمل است» (قرشی بنابی، ۱۳۷۵، ج ۱۲ : ۳۲۱)

از آن چه بیان شد معلوم گردید که اعمال وی در روز قیامت تجسم پیدا خواهد کرد و ملازم و همنشین انسان می شوند. حال یا همنشینی عذاب آور و مایه ی شرمندگی مانند گناهان و بدی ها؛ یا همنشینی نیکو و مایه ی آرامش انسان خواهد بود.

۸-آیه ی « وَوَجَدُوا مَا عَمِلُوا حَاضِرًا وَلَا يَظْلِمُ رَبُّكَ أَحَدًا» - (کهف/۴۹) همه اعمال خود را حاضر می بینند؛ و پرورد گارت به هیچ کس ستم نمی کند.

از ظاهر سیاق آیه آن برمی آید که آنچه را حاضر نزد خود می یابند خود اعمال است، که هر یک به صورت مناسب خود مجسم می شود نه کتاب اعمال و نوشته شده آنها. پس انسان در روز قیامت با خود اعمال مجسم شده اش که در دنیا مرتکب شده محشور و همنشین می شود خود حقیقی عمل را می یابد. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۳ : ۴۵۲)

این آیه به خوبی مبین تجسم اعمال است و نشان می دهد نفس عمل ها حاضر می شوند و عذاب و ثواب نیز به نفس این اعمال باز می گردد و نتیجه ی کردار خودشان است. (قرشی بنابی، ۱۳۷۵، ج ۶ : ۲۳۲)

«علاوه بر ثبت اعمال انسانی در کتب ویژه، خود اعمال نیز در آنجا تجسم می یابند و حضور پیدا می کنند؛ اعمالی که به صورت انرژیهای پراکنده در این جهان از نظرها محو و نابود شده اند در حقیقت از بین نرفته اند (و علم امروز نیز ثابت کرده که هیچ ماده و انرژی هرگز از میان نخواهد رفت، بلکه دائما تغییر شکل می دهد).

آن روز این انرژی های گم شده، به فرمان خداوند، تبدیل به ماده می شوند، و به صورتهای مناسبی تجسم می یابند، اعمال نیک به صورتهای جالب و زیبا، و اعمال بد در چهره های زشت و ننگین ظاهر می گردند، و این اعمال با ما خواهند بود، و به همین دلیل در آخرین جمله آیات فوق می فرماید «و لَا يَظْلِمُ رَبُّكَ أَحَدًا» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۲ : ۴۵۷)

۹- گواهی وجدان

یکی از شاهدان در آن روز، وجدان بیدار شده انسان است. در قرآن کریم در چندین مورد اشاره شده که انسان در روز رستاخیز، به صراحت به گناه و خطای خود اعتراف می کند که این اعتراف، از گواهی دادن هر گواهی پر سوز تر است. خداوند متعال در آن روز وجدان انسان را قاضی خودش قرار می دهد و به انسان خطاب می فرماید:

۹-۱- « اَفْرَأَ كِتَابَكَ كَفَىٰ بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا» (اسراء/۱۴) - کتابت را بخوان! کافی است که امروز خود حسابگر خود باشی! و جالب است که روح و روان انسان در آن روز برای گواهی دادن علیه وی، کافی است.

باتوجه به آیه فوق در روز قیامت تمام وجود مان بر خود مان گواهی می دهند و این برای کیفر یا پاداش کافی است. (قرآنی، ۲۰۹: ۱۳۶۳)؛ «انسان در روز قیامت به گناه و بازپرس نیاز ندارد؛ زیرا او خود گواه است و از خودش حساب می کشد» (مغنیه، ۱۳۷۸، ج ۵ : ۵۲).

هرچند خداوند متعال و فرشتگان او انسان را از تمام اعمالش آگاه می کنند، ولی نیازی به این اعلام نیست، بلکه انسان خودش از اوضاع خود آگاه است و حتی اعضای بدنش در آن روز گواه هستند. «بَلِ الْإِنْسَانُ عَلَىٰ نَفْسِهِ بَصِيرَةٌ» (۱۴/قیامت) - بلکه انسان خودش از وضع خود آگاه است.



نتیجه گیری:

آنچه در این پژوهش با استفاده از آیات قرآن کریم به دست آمد، نشان می دهد انسان حتی در خلوت ترین مکان ها تنها نیست، بلکه ناظرانی مراقب وی و اعمال او هستند و آن چه که انسان انجام می دهد و می گوید توسط این گواهان مشاهده می شود و در روز رستاخیز و در موقف حسابرسی اعمال، بدون هیچ کم و کاستی، توسط گواهان شهادت داده می شود. از جمله این ناظران، عبارتند از: خداوند متعال هم بعنوان شاهد و هم قضاوت کننده که شهادتی از این بالاتر نیست، پیامبران و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، امامان معصوم علیهم السلام، زمین، فرشتگان و حتی اعضاء جوارح آدمی که به وسیله همان اعضا به انجام اعمال پرداخته. وجود این گواهان علاوه بر اینکه راه گریز و توجیهی برای گناه کاران نمی گذارد، نشان از قطعی بودن حضور این شاهدان در دنیا دارد که با تأکید به این مسأله در آیات متعددی از قرآن کریم، خداوند متعال با انسان اتمام حجت می کند که در صورت ارتکاب گناه جای انکار و توجیهی ندارد و باید عواقب اعمال ناشایست خود را بپذیرد. همچنین تأکید صرف بر آیات قرآن و بررسی دقیق قرآن کریم موجب می شود که اثبات شود که در قرآن کریم به مسئله ی حضور شاهدان روز رستاخیز مکرر اشاره شده که حاکی از اهمیت مسئله و غفلت نکردن از حضور این گواهان است. از طرفی اگر ذره ای شک و گمانه زنی درباره روایاتی که در این باره در مقالات و کتاب های دیگر وجود دارد، باشد؛ این شک و گمان درباره آیات قرآن نیست و به یقین می انجامد که مقدمه دوری از گناه و عصیان است.

پیشنهاد می شود درباره گواهان روز رستاخیز درباره کیفیت این گواهی ها و بخصوص تجسم اعمال که یکی از مهم ترین مباحث گواهی اعمال می باشد پژوهش های بیشتری انجام شود.

منابع

الف. کتاب نامه

۱. قرآن کریم، ترجمه ی مکارم شیرازی
۲. الهی خواه، عبدالله، ۱۳۸۹، ناظران اعمال انسان، فصلنامه حصون، شماره ۲۴
۳. بهبودی، محمدباقر، ۱۳۷۸، ج ۲، تهران، تدبری در قرآن ج ۲، سنا
۴. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۹۵، معاد در قرآن، ج ۴، چاپ یازدهم، قم، اسرا
۵. حسینی طهرانی، محمدحسین، ۱۴۲۳، ق، معادشناسی، ج ۷، چاپ اول، مشهد، نورملکوت قرآن
۶. خسروپناه، عبدالحسین، ۱۳۹۲، کلام نوین اسلامی، ج ۳، چاپ اول، قم، تعلیم و تربیت اسلامی
۷. رضایی اصفهانی، محمدعلی، ۱۳۸۷، تفسیر قرآن مهر، ج ۱ و ۲، چاپ اول، قم، پژوهش های علوم و تفسیر قرآن
۸. سبحانی، جعفر - محمدرضایی، محمد، ۱۳۹۰، اندیشه اسلامی ۱، قم، نشر معارف
۹. سبحانی، جعفر، ۱۴۱۲، ق، الإلهیات علی هدی الكتاب و السنه و العقل، ج ۴، چاپ سوم، قم، المرکز العالمی للدراسات الإسلامیة
۱۰. شاه عبدالعظیمی، حسین، ۱۳۶۳، تفسیر اثنی عشری، ج ۵، تهران، میقات
۱۱. طباطبایی، محمد حسین،
۱۲. طباطبایی، محمد حسین، ۱۳۷۴، ترجمه ی تفهیم السیر المیزان، ج ۱۷ و ۱۸ و ۲۰، چاپ پنجم، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی
۱۳. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۴۱۳، مختصر تفسیر مجمع البیان، ج ۱۱ و ۱۴، چاپ اول، تهران، فراهانی

۱۴. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، مترجم نوری همدانی، حسین، ج ۵، چاپ سوم، تهران، ناصر خسرو
۱۵. قرشی بنابی، علی اکبر، ۱۳۷۵، تفسیر احسن الحدیث، ج ۹، چاپ دوم، تهران، مرکز چاپ و نشر انتشارات بنیاد بعثت،
۱۶. قرائتی، محسن، ۱۳۸۸، تفسیر نور، چاپ اول، تهران، مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن
۱۷. کاشانی، فتح الله بن شکرالله، ۱۳۶۳، تفسیر خلاصه منهج الصادقین مسمی به خلاصه المنهج، ج ۱۰، چاپ اول، تهران، کتابفروشی اسلامیة
۱۸. کاشفی، حسین بن علی، بی تا، تفسیر حسینی، چاپ اول، سراوان، کتابفروشی نور
۱۹. مظاهری، حسین، ۱۳۹۲، معاد سرنوشت جاودانه انسان، چاپ اول، اصفهان، موسسه فرهنگی مطالعاتی الزهرا
۲۰. مغنیه، جواد، ۱۳۷۸، ترجمه ی تفسیر کاشف، ج ۴ و ۸، چاپ اول، قم، بوستان کتاب
۲۱. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۱، تفسیر نمونه، ج ۱۴ و ۱۸ و ۲۰، چاپ اول، تهران، دار الکتب الإسلامیة
۲۲. مولانا، جلال الدین، مثنوی معنوی، ۱۳۹۳

ب) نرم افزارها

نرم افزار جامع التفاسیر

نرم افزار کلام اسلامی